



رابطه اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان دارای اختلال یادگیری شهرستان جاسک در سال تحصیلی ۹۴ - ۱۳۹۳

منوره شهابی

کارشناس روانشناسی

مرکز آموزش و توانبخش شهید محمدعباسی شهرستان جاسک

Shahabi1385@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان دارای اختلال یادگیری شهرستان جاسک در سال تحصیلی ۹۴ - ۱۳۹۳ است. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۲۰ نفر (۱۰ دختر و ۱۰ پسر) از کودکان ابتدایی شهرستان جاسک بود که به مرکز اختلالات یادگیری مراجعه کرده اند. نمونه گیری به روش تصادفی ساده انجام شد. برای جمع آوری اطلاعات علاوه بر مشاوره از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت نیز استفاده شده است. داده ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به طور کلی، در نتایج بدست آمده، بین اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان ابتدایی رابطه معناداری مشاهده شد.

واژه های کلیدی: اعتماد به نفس، یادگیری، اختلال یادگیری، شهرستان جاسک

مقدمه

بعضی از پدر و مادران یا اطرافیان، از جهت کثرت محبتی که به فرزندان خویش دارند، بیش از حد در کارهای مربوط به کودک دخالت کرده و به او اجازه کار نمی دهند، همه کارهای او را خودشان انجام می دهند، و به جای آنها تصمیم گرفته و انتخاب می کنند؛ و برخی نیز از روی نا آگاهی نه تنها به پرورش استقلال و اعتماد به نفس فرزندان خویش کمک نمی کنند، بلکه به واسطه سرزنش ها و عیب جویی های خود، روح استقلال طلبی را در کودک خفه کرده و از ابتکارات کودک جلوگیری و در سر راه او مانع تراشی می کنند و با انتقاد و بد گویی و عیب جویی او را شرمند و دلسرد می گردانند، گروهی دیگر نیز به دلیل عدم اطلاع از روشهای درست برای جهت دهی و هدایت میل ابراز وجود در کودک، به استعداد های او لطمه می زنند ...؛ چون همه این موارد بصورت مستقیم در ارتباط با سرنوشت کودکان است که آینده سازان آن جامعه هستند باید از زوایای مختلف شکافته و بررسی شده و نتیجه کار از طریق رسانه های مختلف در اختیار خانواده ها قرار گیرد، زیرا نیروی انسانی سالم و کارآمد، عظیم ترین سرمایه هر ملتی است. متأسفانه، بسیاری از خانواده ها نه تنها نسبت به عواقب ناهنجار عدم پرورش اعتماد به نفس در کودکان خود آگاهی لازم را ندارند بلکه از شیوه های کم هزینه و اغلب بدون هزینه آن نیز اطلاعات چندانی ندارند، کودکان ما خواه ناخواه بزرگ خواهند شد، و سر انجام از ما جدا و در زندگی آینده خود با حوادث و دشواری های فراوانی روبرو خواهند گشت، پس ضروری است ما نیز همگام با طبیعت و فطرت آنان به ندای استقلال طلبی آنان پاسخ درست داده و با استفاده از راه های صحیح آنها را برای زندگی آینده آماده سازیم، حضرت امام سجاد (ع) می فرماید: «فرزندت را آنچنان تربیت کن که مایه ی آبرو و سربلندی تو باشد.» (فتحی، ۱۳۷۸).

فرزندان ما نیازمند اعتماد به نفس اند تا در سایه آن بتوانند راه خوشبختی خود را هموار کنند. به هر میزان که کودکان ما بیشتر رشد کنند و بیشتر با مسائل و دشواری های زندگی مواجه گردند نیاز آنها به اعتماد به نفس بیشتر خواهد شد. و مقدمات این امر باید از دوران کودکی فراهم گردد. ارزش پرورش کودکان و ایجاد زمینه اعتماد به نفس را در آنان هنگامی می توان دریافت که بدانیم عدم آن موجب پیدایش چه عوارض و دشواری هایی است (همان منبع).

تئوری و پیشینه پژوهش



نتایج مطالعات جرویس (۱۹۷۹)، پارسون (۱۹۸۷) و میهان (۱۹۷۱) که بر روی خود پنداره و عزت نفس دانش آموزان نابینا انجام شده است نشان می دهد که نابینایان نسبت به آینده خود بیمناکترند، احساس توانایی کمتری در فرونشاندن خشم و پرخاشگری خود دارند، دارای نگرش منفی نسبت به خود هستند. نابینایان تصور می کنند که افراد عادی دارای عملکردی به مراتب بهتر از آنها هستند که این امر نهایتاً بر خود پنداره آنان تاثیر منفی دارد و موجب می شود نابینا نتواند هویت موفق را در خود رشد دهد. همچنین نتایج تحقیقات وردین (۱۹۹۰) و مالون (۱۹۹۴) نشان می دهد که آموزش روابط بین فردی، دوست یابی، کنترل خشم در افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان دبستانی موثر بوده است.

مفهوم شناسی

یادگیری

یادگیری اساس رفتار فرد را تشکیل میدهد. از طریق یادگیری فرد با محیط خود آشنا می شود، در مقابل محیط ایستادگی می کند، از محیط برای تأمین احتیاجات خود استفاده میکند، گاهی محیط را تحت تسلط و فرمان خود در میآورد و زمانی خویشتن را با آن سازگار می سازد. قسمت عمده رفتار آدمی آموختنی است در زمینه عاطفی چگونگی بروز عواطف و طرز کنترل آنها را میآموزد و بدینوسیله از آمیزش با دیگران لذت میبرد. از لحاظ اجتماعی افراد در خانواده و در گروه همسن طرز معاشرت با دیگران را فرا میگیرند. شناخت خود و جهان خارج، پرورش وجدان اخلاقی، توسعه میزانهای عقلانی برای تشخیص خوب و بد و کنترل اعمال و رفتار شخصی اموری آموختنی است و فرد در اثر تماس با پدر و مادر، با همسالان و سایر بزرگسالان اینگونه امور را فرا میگیرد (جان رابرت، ۱۳۸۹).

مفهوم یادگیری:

الف - یادگیری بعنوان کسب اطلاعات و مهارتها: وقتی کار معلم انتقال معلومات به ذهن شاگرد باشد قهراً یادگیری بصورت کسب اطلاعات در میآید در اینصورت هر چه شاگرد بیشتر مطالب علمی و ادبی را بخاطر بسپارد در زمینه یادگیری پیشرفت زیادی نصیب او شده است. معمولاً کسب اطلاعات و مهارتها از طریق حفظ و بخاطر سپردن صورت می گیرد. در تعریف یادگیری بعنوان کسب اطلاعات و مهارتها، در جریان یادگیری نقش اساسی بعهده معلم است. شاگرد فقط باید بسخنان معلم گوش داده و مطالب درسی را بخاطر بسپارد. در جریان یادگیری شاگرد فعالیتی از خود نشان نمی دهد و بیشتر حالت پذیرندگی و انفعالی دارد. مطالب علمی اغاب برای شاگرد نامفهوم است و ارتباط آنها را با هم درک نمی کند (احدی، ۱۳۸۲). شاگرد در دوره تحصیل مطالبی را فرا میگیرد، از طریق تکرار و تمرین آنها را بخاطر می سپارد و در موقع امتحان آنچه حفظ کرده نقل می کند و دوره تحصیل را بپایان میرساند و بعد از فارغ التحصیل شدن بیشتر آموخته های خود را فراموش کرده و تنها اندکی از آن که به شغل آنها ارتباط داشته موقتاً در ذهن باقی می ماند. در جریان این نوع یادگیری احتیاجات و رغبت های شاگردان نیز مورد توجه معلمان نیست روی همین اصل تحصیل تغییری در تفکر، عادات، تمایلات و اعمال افراد ایجاد نمی نماید در واقع اطلاعات کسب شده در دوره تحصیل با احتیاجات روزمره فرد در جریان زندگی همخوانی ندارد (همان منبع).

ب - یادگیری بمعنی تغییر رفتار از راه تجربه: یادگیری به فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است گفته می شود و نمی توان آنرا به حالتهای موقتی بدن مانند آنچه که بر اثر خستگی، بیماری و یا مصرف داروها پدید می آید نسبت داد. بر اساس این تعریف یادگیری به تغییر می انجامد یعنی بعد از کسب تجربه یادگیری موجود زنده از جمله انسان از حالت قبل از کسب تجربه به یک حالت تازه تغییر می یابد و یادگیرنده پس از کسب مهارت یا اطلاع تازه در نحوه برخوردش با رویدادها در مقایسه با زمان پیش از یادگیری تغییر می کند حال یادگیری ممکن است پیچیده باشد مثل یادگیری نحوه راندن اتومبیل یا ممکن است ساده باشد مثل یادگیری نام یک شخص.

در هر دو حالت یادگیرنده در مقایسه با قبل از یادگیری تغییر کرده است هر چند این تغییر ممکن است خیلی جزئی باشد (حسینی مرویان، ۱۳۸۵).

اعتماد به نفس :

اعتماد به نفس به معنای، باور به تواناییها، از عهده کارها برآمدن، کارآمد بودن در ارتباطات انسانی و در محیط زندگی شخصی به کار رفته است، البته در این پژوهش برای این اصطلاح معنای وسیع تری قائل شدیم، تا جایی مفاهیمی مثل خود اتکایی و خود پستوانی به معنی اتکا به ظرفیتها، منابع و مهارت‌های خود برای کسب استقلال بیشتر در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ خودکفایی، استقلال اقتصادی، عزت نفس و احترام به خود، احساس قائل بودن ارزشی برای خود و طلب شناخته شدن آن ارزش، یا میزان ارزشمندی، احترام، شایستگی، توانایی، شناخت شأن و خصایص فردی و برخوردار بودن از رضایت و خشنودی درونی؛ [همان] مد نظر بوده است. در دانشنامه آزاد ویکی پدیا چنین آمده است: «اعتماد به نفس یا خودباوری یکی از شرایط روحی است که شخص در آن بخاطر تجربه‌های قبلی، به توانایی‌ها و استعداد‌های خود در موفقیت انجام کارها بطور موفقیت‌آمیز اعتماد و باور دارد. اعتماد به نفس انگیزه لازم برای شروع و ادامه کار را به شخص می‌دهد و همواره توانا بودن در انجام کار مورد نظر را به شخص گوشزد می‌کند.» (اسلامی نسب، ۱۳۸۴).

برخی از نشانه های کودک فاقد اعتماد به نفس:

کودکان فاقد اعتماد به نفس چه خصوصیات و ویژگی هایی دارند و آنها را چگونه می‌شود شناخت؟ در اینجا به تعدادی از مهم ترین این ویژگی ها اشاره می‌شود:

- از خود و شخصیت واقعی خود گریزانند و دوست دارند از خود شخصیتی دروغین بسازند و معرفی کنند.
- خودستائی دارند و گزافه گو هستند و خود را بالاتر از آنچه که هستند معرفی می کنند.
- سعی دارند نقاط ضعف خود را بپوشانند.
- خجالتی و کمرو هستند و از این بابت انزوا طلبند و دوست دارند شریک درد پیدا کنند.
- به پنهان کاری راغبند، تا عیوب عملکردشان آشکار نشود حتی در حضور پدر و مادر که محرم رازند.
- از هر فرصت برای مقایسه خود با دیگران استفاده می کنند تا دریابند که در چه وضعیت و مقامی هستند.
- دچار وسوسه و اضطرابند و به همین دلیل ممکن است دچار شب ادراری باشند و یا خواب راحت نکنند.
- عصبی هستند و در مقابل انتقاد، حساسیت از خود بروز می دهند و گمان دارند همه دشمن آنها هستند.
- اصرار دارند ثابت کنند که افرادی با ارزشند و آرزو می کنند وضعی پیش آید که خود را نشان دهند.
- از جمع گریزانند تا مبادا مورد عیبجویی و نقد قرار گیرند و بدین خاطر خود به سراغ کسی نمی روند.
- اگر عمل ناروایی از دیگران ببینند آن را برای خود مجاز می شمارند و به همان دلیل، تن به چنان کاری می دهند.
- در برابر کمترین تلخکامی احساس کسالت می کنند و اشک می ریزند و سعی دارند دیگران به آن پی نبرند.
- از جنب و جوش و فعالیت بسیار بیزارند و از مشکل و دشواری گریز دارند.
- از آنها که مورد مقایسه او هستند بیزار هستند و سعی دارند آنان را تحقیر کنند. شوخی می کنند و قادر به تحمل شوخی متقابل نیستند و از این بابت دوستدار روابط یک طرفه هستند (برزگر، ۱۳۷۹).
- از مسخره کردن دیگران و سقوط و لغزش آنها احساس لذت می کنند و نیز از ابهام و هراس دیگران.
- از شنیدن داستان های حزن آور مسرور می شوند و صحنه های غم انگیز گوئی برایشان موجب عقده تکانی است.
- با همه نیازی که به والدین خود دارند، دوست ندارند والدینشان آنها را تحت اختیار بگیرند (همان منبع). **حالات فرد فاقد**

اعتماد به نفس

حالات فردی که به خود اعتماد ندارد به گونه ای است که خود را در این دنیای بزرگ تنها احساس می کند و گمان دارد مورد نفرت دیگران است. به همین دلیل میل به انزوا دارد و در اجتماع نمی تواند تصمیم گیری کند و اگر هم تصمیم بگیرد قدرت اجرا ندارد. او برای خود دنیای خیالی تصور می کند. دنیائی که در آن قدرت دارد، زیباست و او در آن پیروز است و قادر به



انجام دادن هر امری است و می تواند کار و تلاشی مثبت داشته باشد. ولی در جنبه عمل در می یابد که همه آرمانش در حال زوال و فناست؛ او از زندگی لذتی نمی برد و به زندگی امیدوار نیست. او گمان دارد که سراسر وجودش عیب است، به همین نظر فکر و اندیشه ای مشوش دارد، کمتر می خندد، هرگز خود را آن چنان که هست نشان نمی دهد. تصورش این است که دیگران با او نفاق می ورزند و یا از عدم صداقتشان سر در نمی آورد. خود را فاقد قابلیت و خیلی ضعیف تر از آنچه که هست می پندارد. به خاطر بی اعتمادی به خود، موضع او در برابر حوادث، موضع گریز است. هر حادثه ای که در زندگی برایش پدید آید برای او یک نقطه منفی است و خطر آفرین؛ مختصر شکست خود را بزرگ کرده و از آن احساس اضطراب می کند که این حالت خود موجد دشواری های دیگری است (فتحی، ۱۳۷۸).

علل عدم اعتماد به نفس

به علت نتایج زشت و خانمان برانداز عدم اعتماد به نفس، ضروری است منشاء و علل، یا ریشه ها و انگیزه های آن نیکو شناخته شود تا امکان رفع و جبران آن موجود باشد. در جنبه شناخت علل می توان موارد زیر را مطرح کرد:

- ۱- در ارتباط با خود
 - علل و انگیزه هایی که به خود فرد مربوط می شوند بسیار و اهم آنها عبارت اند از:
 - وقایع تلخ و دلسرد کننده که موجبات ناراحتی و نگرانی هستند و در نتیجه عدم اعتماد به نفس را پدید می آورند.
 - ناکامی ها و محرومیت ها به ویژه در آنچه که مورد علاقه شدید کودک می باشد.
 - شکست های متوالی و خرد کننده که سبب دلمردگی و افسردگی و عدم اعتماد به نفس می شود.
 - تداوم بدبینی ها و گله مندی ها راجع به زندگی و مسائل و دشواری های آن.
 - وجود ترس و دلهره از افشا شدن رازی که به زندگی و سرنوشت فرد بستگی دارد.
 - بیماری مداوم درونی و یا جسمانی که سبب درد و رنج و ایجاد کننده بدبینی هاست.
 - نقایص و نارسایی های جسمانی که سبب احساس حقارت و احياناً عدم کارآمدی می شود.
 - ترس از حقیر و بی مقدار شدن به علت احساس خلاء و فقر در درون خود.
 - وجود گیجی و سردرگمی به علت تعدد وظایف، مشکلات و دشواری ها (احمدی زاده، ۱۳۸۴).

۲- خانواده

در این زمینه نیز علل و انگیزه های بسیاری وجود دارد که سبب پیدایش بی اعتمادی و سرکوب شدن اعتماد به نفس در کودکان می شود و اهم آنها عبارت اند از:

- وجود تبعیضات در خانواده و توجه فوق العاده والدین به یک کودک و مهمل گذاشتن حق کودک دیگر.
- به رخ کشیدن ضعف ها و عیوب کودک و سعی در بزرگ کردن آن و تحقیر کودک بدان طریق.
- آشکار کردن عیوب و افشا کردن لغزش های او در حضور کسانی که کودک در نزد آنها از احترامی برخوردار است.
- استبداد والدین و تحمیل نظرات خود بر طفل بدون در نظر گرفتن توان تحمل او.
- مراقبت شدید والدین از کودک به گونه ای که او را شدیداً به خود وابسته نمایند (شریفی درآمدی، ۱۳۷۹).
- مقایسه کردن کودک با فرد یا افراد دیگری که طفل توان رسیدن به آنها را ندارد.
- سرزنش های افراطی به گونه ای که طفل را از خود و لیاقت خود نومید کند.
- قرار دادن کودک لوس و نازپرورده در محیطی که او را نیکو تحویل نمی گیرند (همان منبع).

۳- اجتماع

در ایجاد اعتماد به نفس و یا درعجز و زبونی انسان، محیط اجتماعی فوق العاده مؤثر است. در واقع علت بسیاری از رندها و سقوط ها را در این بخش باید جستجو کرد. کودک علاقه مند به حفظ خود و جلب نظر و احترام برای خویش است و در آن هنگام که نتواند خود را حفظ نماید و تلاش خود را در این رابطه بی ثمر می یابد، تدریجاً اعتماد به نفس را از دست می دهد. در محیطی که مظلوم لگد کوب شود و کسی ظالم را سرکوب نکند، در محیطی که جز از طریق سازش نتوان به پیش



رفت و کودک همه خواسته های خود را بر باد رفته احساس می کند، در اجتماعی که بی اعتنائی به طفل به میزانی باشد که طفل خود را حقیر و بی مقدار احساس نماید، کودک اعتماد به نفس خود را از دست خواهد داد و در برابر شخصیت واقعی خود خجل و شرمنده می شود. اندیشه خودنمائی و بزرگ منشی را از دست داده و اعتماد به نفس او فروکش خواهد کرد (افروز، ۱۳۸۹).

برخی از عواملی که بی اعتمادی را تشدید می کنند:

- اضطراب و دلواپسی به هر علت و انگیزه ای که پدید آید و به ویژه در کودک ریشه دار شود.
- خستگی بسیار، ناشی از کار فوق العاده، بخصوص در آنچه که به نظر طفل بیهوده و بی ثمر آید.
- بی خوابی های مداوم، خواه به علت کار و خواه به علت اضطراب و نگرانی.
- تحمل اجباری سلطه ها از والدین و مربیان و یا از مدرسه و معلم و ناظم.
- دیدن ترحم بسیار از دیگران که حاصل آن احساس زبونی و درماندگی خواهد بود.
- عادت داشتن به توقع به گونه ای که همیشه کار او را دیگران انجام دهند.
- ضعف جسمانی و احساس درد و رنج مداوم که ناشی از احساس ناتوانی و زودرنجی است.
- وجود احساس حقارت به هر علت و اندیشه، بویژه زمانی که درد او ریشه دار گردد.
- مواجه شدن با امری خلاف توقع، مثل این امر که کودک خود را مورد احترام حساب کند ولی مواجه با بی اعتنائی شود (اسماعیلی، ۱۳۸۰).

روش شناسی

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کودکان ابتدایی شهرستان جاسک که در سال تحصیلی ۹۴ - ۱۳۹۳ به تحصیل اشتغال داشتند و مجموعاً ۵۰۰ نفر می باشند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۲۰ نفر (۱۰ دختر و ۱۰ پسر) از کودکان ابتدایی شهرستان جاسک بود که به مرکز اختلالات یادگیری مراجعه کرده اند. در پژوهش حاضر از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

روش اجرای پژوهش

در پژوهش حاضر دانش آموزانی که به مرکز اختلالات یادگیری مراجعه می کردند ۱۰ نفر گروه آزمایش که بهره هوشی بالای ۸۵ داشتند به آنها مشاوره می دهیم در مشاوره ها به آنها اعتماد به نفس می دهیم پیشرفت آنها عالی و هر روز آنها را تشویق می کنیم که این دانش آموزان در ۵ جلسه یاکمتر درمان می شوند. ۱۰ نفر دیگر گروه گواه که بهره هوشی آنها نیز بالای ۸۵ بود به آنها مشاوره نمی دهیم و در ۸ جلسه درمان می شوند. جهت سنجش رابطه اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان علاوه بر مشاوره و درمان از پرسشنامه نیز استفاده کرده پرسشنامه ها را توزیع و سپس تجزیه و تحلیل می کنیم و از روش همبستگی پیرسون رابطه بین متغیرها را می سنجیم.

ابزارهای پژوهش

برای جمع آوری اطلاعات علاوه بر مشاوره از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت نیز استفاده می کنیم.

بحث اصلی

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند میانگین، انحراف معیار، حداکثر و حداقل برای کلیه متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱ - میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنی ها در متغیرهای تحقیق



تعداد	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری متغیر
۲۰	۶۰	۱۲	۱۳/۱۶	۱۰۹/۰۱	اعتماد به نفس
۲۰	۳۹	۵	۸/۲۲	۱۹/۱۸	یادگیری

یافته های استنباطی

با توجه به اینکه در این پژوهش دانش آموزان دختر و پسر ابتدایی مراجعه کننده به مرکز اختلالات یادگیری شهرستان جاسک شرکت کرده اند، بنابراین ابتدا دانش آموزان را به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم کرده و با مشاوره به درمان آنها پرداختیم و برای تحلیل های مربوط به رابطه اعتماد به نفس و یادگیری آنها آزمون همبستگی پیرسون انجام دادیم تا نشان داده شود آیا بین اعتماد به نفس و یادگیری آنها رابطه وجود دارد؟

جدول ۲ - رابطه بین اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
اعتماد به نفس	۲۰	۰/۱۸	۰/۰۴
یادگیری			

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود ضریب همبستگی دو متغیر یاد شده ۰/۱۸ است که در سطح $p < 0.05$ رابطه معنی داری وجود دارد. لذا فرضیه اول تایید می گردد. بنابراین بین اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری

این پژوهش نشان داد: دانش آموزان گروه آزمایش که به آنها اعتماد به نفس می دهیم سریعتر از دانش آموزان گروه گواه درمان می شوند.

همچنین یافته های پژوهش نشان داد: بین اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس فرضیه پژوهش بین اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان ابتدایی رابطه معناداری وجود دارد. بر طبق یافته های پژوهش حاضر، فرضیه ما مبنی بر رابطه بین اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان ابتدایی تایید می گردد. لذا بین اعتماد به نفس و یادگیری دانش آموزان ابتدایی رابطه معناداری وجود دارد. به این معنی می باشد که هر چه اعتماد به نفس در دانش آموزان ابتدایی بیشتر باشد یادگیری آنها نیز سریعتر است.

منابع

- احدی، حسن؛ کاکاوند، علیرضا. (۱۳۸۲). اختلالهای یادگیری (از نظریه تا عمل). تهران. ارسباران.
- اسلامی نسب، ع. (۱۳۸۴). روان شناسی اعتماد به نفس. تهران: انتشارات مهرداد.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹). مقدمه ای بر روان شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی.
- احمدی زاده، اسماعیل. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر آموزش مهارتهای حل مسئله بر عزت نفس. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی
- اسماعیلی، محمد (۱۳۸۰). بررسی اثر آموزش درس مهارتهای زندگی در تعامل زندگی در تعامل با شیوه های فرزندپروری بر عزت نفس دانش آموزان استان اردبیل رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- برزگر، نرگس. (۱۳۷۹). بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نابینا و کم بینا در مجتمع آموزشی نرجس. رساله کارشناسی مرکز آموزش عالی فرهنگیان شهید باهنر.



- جان رابرت، اندرسون؛ (۱۳۸۹)، نگرشی جامع بر یادگیری و حافظه، پونه مختاری و علی طیبی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، چاپ اول، ص ۹.
- حسینی مرویان، رضا (۱۳۸۵). میزان شیوع ناتوانی های یادگیری در میان دانش آموزان شهر مشهد. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
- سلیمانی، اسماعیل؛ زاهد بابلان، عادل؛ فرزانه، جبرائیل و ستوده، محمدباقر. (۱۳۹۰). مقایسه ی نارسایی هیجانی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان دارای اختلال یادگیری و بهنجار. مجله ناتوانی های یادگیری ۱ (۱)، ۹۳ - ۷۸.
- شریفی درآمدی، پرویز. (۱۳۷۹). روان شناسی و آموزش کودکان نابینا تهران: نشر گفتمان خلاق.
- فتحی، زهرا (۱۳۷۸). بررسی تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی به شیوه مشاوره گروهی بر افزایش عزت نفس دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان تحت پوشش کمیته امداد منطقه ۱۶ تهران. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

Archive of SID